

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال- افغانستان
۲۲ سپتمبر ۲۰۲۱

در افغانستان زیر سلطه طالبان چه می گذرد؟

(۷)

آیا امکان تبدیل شدن افغانستان به صوبه پنجم پاکستان وجود دارد؟ مداخلات آشکار و صریح دولت غدار پاکستان مخصوصاً سازمان مخوف استخبارات آن کشور که جزء ده سازمان جاسوسی مخوف دنیا شمرده می شود در افغانستان، اظهر من الشمس است. در طول بیشتر از چهار دهه اخیر، پاکستان بی وقفه تلاش کرده تا از هر طریق ممکن، افغانستان را به صوبه پنجم خود مبدل کند و در این راه لست طولی از جواسیس و وطن فروشان افغان که اکثریت آنها جزء تنظیم های جهادی و طالبی می باشند که قطار کردن نام های پلید آنها از حوصله این گزارش کوتاه خارج است، پاکستان را بی شرمانه همکاری و کمک کرده اند.

چون از یک طرف، جایگاه پاکستان در سیاست خارجی امپریالیزم امریکا چنان که جوبایدن رئیس جمهور آن کشور نیز در یکی از سخنرانی های خود به آن اشاره نموده بود، ده ها مرتبه با اهمیت تر از افغانستان است و از جانب دیگر در نتیجه حمایت های آشکار و پنهان پاکستان در طول ۲۰ سال گذشته، بالاخره منتج به آن گردید تا امپریالیزم امریکا دولت دست ساخت خود را ساقط و به عوض آن طالبان جنایتکار و مزدور را جایگزین آن کند.

دولت پاکستان از حاکمیت دوباره طالبان در پوست نمی گنجد، چراکه بعد از این می تواند براحتی و بدون هیچ مشکلی نه تنها حرکات آنها را زیر ذره بین بگیرد، بلکه به هر طریقی که بخواهد می تواند اقدامات و عملکرد های آنها را به نفع سیاست های خود مدیریت نماید. به طور نمونه، آمدن فیض حمید رئیس استخبارات پاکستان به کابل به هدف نصب مهره های خود در کابینه طالبان که باعث اعتراضات گسترده علیه سیاست های پاکستان در امور افغانستان گردید و یا گفته های اخیر عمران خان صدراعظم آن کشور در زمینه مذاکره با طالبان مبنی ایجاد حکومت همه شمول و بالاخره در تازه ترین مورد، اعلان رضایت سخنگوی فوج پاکستان در یک جلسه خبری از تضمین های امنیتی طالبان، آشکارا بیانگر مداخله صریح پاکستان در امور افغانستان می باشد.

با وجود آن که هنوز یک ماه و چند روز بیشتر از تسلط طالبان به افغانستان نمی گذرد، اما در این مدت اندک، نفوذ پاکستانی ها مخصوصاً استخبارات آن کشور در وزارت ها و ادارات افغانستان به شکل قابل توجه مشاهده می شود. اولین وزارتتی که استخبارات پاکستان به آن هجوم بردند، وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی می باشد و در اولین

روز ها تمامی اطلاعات ثبت شده در این وزارت را کاپی برداری نموده تا به تمامی معلومات امنیتی و غیر امنیتی افغان ها دسترسی داشته باشند.

همچنان قطع درختان و قاچاق چوب های چهار تراش، انتقال وسایل و تجهیزات نظامی به خاک پاکستان، باز شدن مرز ها به روی واردات کالاهای پاکستانی، قاچاق داغمه جات و آهن پاره ها، باز شدن مسیر ترانزیتی کالاهای پاکستانی به آسیای مرکزی، دیکته نمودن سیاست های خارجی طالبان مخصوصاً نوع رابطه سیاسی با کشور هند، سرازیر شدن آب های افغانستان بدون هیچ ممانعتی به خاک پاکستان و غیره نشانه های دیگری از نفوذ و مداخله پاکستان در امور افغانستان را نشان می دهد.

با چنین وضعیتی، می بینیم که افغانستان در حال مبدل شدن به صوبه پنجم پاکستان است، اما واقعیت این است که در طولانی مدت هیچ گاه دولت غدار پاکستان توانائی و قدرت کنترول افغانستان را به عنوان یکی از صوبه های خود ندارد، چراکه در رگ های توده های ستمدیده و زحمتکش ساکن در این خطه، خون آزادیخواهی و استقلال طلبی جریان دارد که به یکبارگی و آنی فوران نمی کند، بلکه همانطوری که با راه اندازی قیام های خونین متجاوزین انگلیس، قشون «سرخ» اتحاد جماهیر سوسیال امپریالیزم شوروی و درنده های اشغالگر امریکائی و غیر امریکائی را چخ کردند، همانگونه با راه اندازی خیزش های توده ئی، دولت کفتار صفت پاکستان را نیز از این مرز و بوم سر افکنده و شرمسار چخ می کنند.

باجگیری طالبان زیر نام عُشر: همه روزه خبر های تکان دهنده مبنی بر اذیت و آزار توده ها توسط طالبان، فقر شدید، گسترش روز افزون بیکاری، افزایش سرسام آور قیمت های مواد اولیه، مهاجرت های اجباری، وضعیت بد اقتصادی، زیر پا کردن ابتدائی ترین حقوق انسانی، بسته کرن مکاتب دخترانه، ممانعت زنان به کار و مصائب فراوان دیگر از افغانستان زیر سلطه طالبان گزارش می گردد.

در تازه ترین مورد از این خبر های تکان دهنده، طالبان در ولایت های غور، دایکندی، غزنی، بامیان و برخی دیگر از ولایات تحت نام عُشر، به زور شلاق و تهدید آشکارا همانند دوره پاتک سالاری تنظیم های جنایتکار جهادی، باجگیری را آغاز کرده که ذیلأ به گوشه ای از این باج گیری ها اشاره می شود.

طالبان در بسیاری از ساحات در ولایات ذکره شده، روی همه اموال و دارائی های مردم، حتی پروژه های عام المنفعه، به زور شلاق عُشر وضع نموده اند. این گروه، در ولسوالی لعل و سر جنگل ولایت غور از هر تراکتور چهار سلند، ۳۵۰۰ افغانی، از هر تراکتور سه سلند، ۲۵۰۰ افغانی، از هر آسیاب برقی، ۲۰۰۰ افغانی و حتی از هر ذخیره گاه کچالو که ظرفیت نگهداشت چیزی در حدود ۲۱ تن کچالو را دارا می باشد، تا ۲۸۰۰۰ افغانی عُشر می گیرند.

این گروه، در ولایت غور از هر ۱۸ مرغ، یک مرغ، از هر ده گوسفند، یک گوسفند، از هر چهار گاو، یک گاو را به عنوان عُشر از مردم به زور شلاق می گیرند. جالب اینجاست که این گروه چهل و نرفت از هر موتر تیز رفتار یک هزار افغانی، از هر موتر سایکل ۵۰۰ افغانی و از هر باب دوکان نظر به مال شان بین ۵ تا ۱۰ هزار افغانی عُشر جمع آوری می کنند.

وحوش جنایتکار طالبی با قوانین عصر حجری اسلامی در ولایت غزنی از درختان میوه دار، محصولات زراعتی، شیشه های آفتابی و چاه های آب، در ولایت بامیان از کچالو و در ولایت دایکندی از گندم، بادام و سایر محصولات زراعتی نیز عُشر جمع آوری می کنند. این در حالیست که فقر، بیکاری و خشکسالی در این ولایات و سایر ولایات افغانستان بیداد می کنند.